


The Sphere of Good Governance: From Alavi Teachings to World Indexes

Ali Komijani

Ph.D. in Futures Studies, Lecturer and Researcher, Iran (corresponding author).

Email: komijani.afs@yahoo.com

 0000-0000-0000-0000

MohammadRahim Eivazi

Professor of Futures Studies Department, Faculty of Governance, Tehran University, Iran.

Email: mr.eivazi@ut.ac.ir

Abstract

Nowadays, good governance (GG) is considered a dominant theory and pattern in administration and is located at the focus of development thinkers and activists as well as the agenda of modern states and societies. However, GG is not perceived as a contemporary issue, and its theoretical and practical roots refer back to Islamic teachings and are reflected in Alavi Governance as a turning point in human governance history. The purpose of the present study is to read comparatively the modern GG indexes and Alavi governance teachings reflected in Letter No. 53 of Nahj al-Balagheh (Alavi Governance Charter) as a reference document and comprehensive roadmap. Having applied a descriptive-analytical methodology, the present paper seeks to read the principles and pillars of this new managerial-political paradigm and then investigates the given features with reference to Alavi teachings. The findings indicate that not only the GG features have been introduced and emphasized in Alavi governance teachings, but also the teachings, with a futuristic orientation as well as a trans-temporal and trans-spatial nature, envision and present the GG requirements of modern societies. Accordingly, GG requirements have been introduced and emphasized in the Alavi Governance Charter through the principles of accountability, transparency, participation, rule of law, and effectiveness, ruling on the mutual and balanced relationship of government and civil society based on justice as the spirit of governance.

Keywords: good governance, indexes, teachings, Alavi governance charter.

E-ISSN: 2588-6525 / Center for Strategic Research / The Scientific Journal of Strategy

Journal of "The Scientific Journal of Strategy" © 11 years by Center for Strategic research is licensed under [CC BY 4.0](https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/) 



 10.22034/RAHBORD.2024.423698.1620



پروشکاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی




سپهر حکمرانی مطلوب:

از آموزه‌های علوی تا شاخص‌های جهانی

علی کمیجانی

دکترای آینده‌پژوهی، مدرس و محقق، تهران، ایران (نویسنده مسئول).

Email: komijani.afs@yahoo.com

 0000-0000-0000-0000

محمد رحیم عیوضی

استاد گروه آینده‌پژوهی، دانشکده حکمرانی، دانشگاه تهران، ایران.

چکیده

امروزه، حکمرانی مطلوب به‌عنوان یکی از نظریه‌ها و الگوهای غالب در عرصه اداره و راهبری، مطرح و در کانون توجه فزاینده اندیشمندان و فعالان توسعه و همچنین دستورکار ویژه دولت‌ها و جوامع معاصر قرار گرفته است. باین‌وجود، حکمرانی مطلوب مقوله‌ای مدرن به‌شمار نمی‌رود و ریشه‌های نظری و عملی آن به آموزه‌های اسلامی برمی‌گردد و در سپهر حکمرانی علوی به‌عنوان یک نقطه عطف در تاریخ حکمرانی بشری متبلور می‌شود. در این راستا، هدف پژوهش حاضر بازخوانی تطبیقی شاخص‌های امروزی حکمرانی مطلوب و آموزه‌های حکمرانی علوی است که در نامه ۵۳ نهج‌البلاغه (منشور حکمرانی علوی) به‌عنوان یک سند مرجع و نقشه راه جامع منعکس می‌شود. مقاله حاضر با بهره‌گیری از روش توصیفی - تحلیلی به بازخوانی اصول و ارکان این پارادایم مدیریتی - سیاستی می‌پردازد و سپس هر یک از این مؤلفه‌ها را با استناد به آموزه‌های علوی مورد بررسی تطبیقی قرار می‌دهد. یافته‌های پژوهش حاضر نشان می‌دهد شاخص‌های حکمرانی مطلوب نه‌تنها در آموزه‌های حکمرانی علوی مورد معرفی و تأکید قرار گرفته است بلکه این آموزه‌ها با جهت‌گیری آینده‌گرایانه و ماهیت فرازمانی و فرامکانی، الزامات و اقتضات امروزی حکمرانی مطلوب جوامع مدرن را نیز مورد ترسیم و ارائه قرار می‌دهد. براین‌اساس، استلزامات حکمرانی مطلوب در قالب اصول پاسخگویی، مشارکت، شفافیت، قانون‌مداری و کارآمدی ناظر بر روابط متقابل و متوازن دو رکن جامعه و حکومت با محوریت عدالت به‌عنوان جوهره حکمرانی مورد معرفی و تصریح منشور حکمرانی علوی قرار گرفته است.

کلیدواژه‌ها: حکمرانی مطلوب، شاخص‌ها، آموزه‌ها، منشور حکمرانی علوی.



مقدمه و بیان مسئله

از زمان شکل‌گیری نخستین اجتماعات بشری، مطلوب‌ترین شیوه «اداره» جوامع انسانی همواره در کانون توجه متفکران و پژوهشگران قرار داشته و در رهیافت‌ها و نظریه‌های متنوع مدیریتی و سیاستی متبلور گردیده است. این مهم، در عصر معاصر از اهمیت ویژه‌ای برخوردار گردیده و به موضوع اصلی علم و عمل «حکمرانی» مبدل گشته است. ضرورت و اهمیت مطلوبیت حکمرانی در این مسئله راهبردی نهفته است که موفقیت‌ها و یا شکست‌های حکمرانی نه‌تنها نسل معاصر را تحت تأثیر قرار می‌دهد، بلکه با انتقال و گذار زمانی، نسل‌های آینده را نیز تحت‌الشعاع قرار داده و منجر به توسعه و یا تحدید آزادی، انتخاب و رفاه آن‌ها در آینده می‌گردد.

در این راستا و در سال‌های اخیر، حکمرانی مطلوب به‌عنوان نظریه و الگویی نوین در اداره و راهبری جوامع مورد توجه قرار گرفته و از کاربرد فزاینده‌ای در ادبیات توسعه و همچنین اسناد بین‌المللی برخوردار شده است. نظریه یا الگوی حکمرانی خوب ایده‌ای است که به‌دنبال ناکارآمدی سازوکارهای پیشین توسعه مطرح شد و از جمله ابزارهایی است که برای بهبود بخشیدن به عملکرد سیستم‌های مدیریتی و سیاسی در نظر گرفته شده است (مرشدیزاد، ۱۳۹۶، صص. ۱۲۵-۱۲۶).

حکمرانی خوب نقش مهمی در ایجاد ممالک توانمند و برخوردار از ظرفیت پیشگامی در فعالیت‌های توسعه‌ای ایفا می‌کند. به تعبیری دیگر، حکمرانی خوب یکی از پیش‌نیازهای اساسی دستیابی به توسعه پایدار است و بدون آن، تلاش برای توسعه، یک هدف واهی به‌شمار می‌رود (Hope, 2009, Pp 728, 730, 737).

با فراگیری و مقبولیت فزاینده «اهمیت و حتی محوریت، حکمرانی مطلوب در توسعه»، مفهوم حکمرانی مطلوب به کانون مجموعه متنوعی از مؤلفه‌ها و ویژگی‌های مطلوب مبدل گشت که جوامع سرتاسر جهان درصدد تحقق‌پذیرسازی آن‌ها برآمدند. حکمرانی مطلوب از رهیافت پژوهشگران به شیوه هدایت توجهات به ابعاد نهادی توسعه، از رهگذر فعالان به شیوه پردازش مسائل حساس سیاسی مانند فساد و از دیدگاه حامیان به شیوه افزایش توجهات به عوامل شکل‌دهنده مبدل گشت. حکمرانی مطلوب- با تورم مفهومی به‌عنوان نقطه نهایی و آرمانی توسعه- عملاً به نوش‌داروی مسائل و مشکلات موجود تبدیل گردید. حکمرانی مطلوب، در سال‌های اخیر، با توسعه پیوسته مفهومی از اهمیت فزاینده‌تری نیز برخوردار گردیده است (Grindle, 2017, pp. 17-18).

با افزایش اهمیت و ضرورت حکمرانی مطلوب در روند پیشرفت و توسعه، ایده ارزیابی کیفیت حکمرانی مورد طرح، اجرا و مقبولیت قرار گرفت. براین اساس، مؤلفه‌های حکمرانی خوب امروزه به‌مثابه یک دستگاه سنجش وضعیت حکمرانی در کشورهای مختلف دنیا به‌کار می‌رود و کشورها براساس مؤلفه‌های معین، مورد ارزیابی و رتبه‌بندی قرار می‌گیرند. نهادهای متنوع جهانی و بین‌المللی مانند بانک جهانی به بررسی وضعیت و کیفیت حکمرانی در جوامع مختلف پرداخته و نتایج آن را در قالب گزارش رسمی مورد انتشار و دسترسی عمومی قرار می‌دهند. این گزارش‌ها از آثار و بازتاب مهمی در محافل و مجامع داخلی و خارجی برخوردار شده و در بسیاری از تصمیمات و قضاوت‌ها مورد ارجاع قرار می‌گیرند و در آینده و سرنوشت کشورها مؤثر واقع می‌شوند (کمیجانی و عیوضی، ۱۴۰۰، صص. ۴۳۰-۴۳۱).

اگرچه دیرزمانی نمی‌گذرد که حکمرانی مطلوب به‌عنوان یک پارادایم جدید مدیریتی - سیاسی مطرح و به یکی از مهم‌ترین و کاربردی‌ترین نظریه‌ها و الگوها در علم و عمل اداره و حکمرانی مبدل گشته است، باین‌وجود، موضوعی نوین به‌شمار نمی‌رود و مبانی نظری و عملی آن ریشه در آموزه‌های اسلامی دارد و در سپهر عالم‌تاب حکمرانی علوی به‌عنوان نقطه عطف حکمرانی بشری متبلور می‌شود.

در فرهنگ دینی اسلام، بارها به مؤلفه‌های حکمرانی خوب اشاره شده است. دستورات صریح دین مبین اسلام در سال‌ها قبل به طرح ایده حکمرانی خوب در قرآن، روایات و سیره پیامبران و امامان پرداخته است و بعد از گذشت قرن‌ها فلسفه غرب آن را به‌عنوان دستاورد بشری و پیش‌نیاز توسعه همه‌جانبه ارائه کرده است. این مفهوم قرن‌ها پیش مورد توجه و تأکید اسلام قرار داشته و جالب‌تر اینکه مؤلفه‌های حکمرانی خوب با دقت و گستردگی بیشتری در اسلام مطرح شده است. مؤلفه‌های امروزی حکمرانی خوب تا حد زیادی به لحاظ ماهوی در ارتباط با مؤلفه‌های ذکرشده در قرآن، سیره پیامبر و امام علی (ع) است (عیوضی، مرزبان و صالحی، ۱۳۹۶، صص. ۶۱-۶۲).

در این راستا، نهج‌البلاغه از جمله منابع موثق و مستندی به‌شمار می‌رود که چکیده‌ای از مراتب متعالی اندیشه نظری و سیره عملی امام علی (ع) در ساحات مختلف از جمله موضوع حکومت و حکمرانی را به تصویر می‌کشد. حکم انتصاب مالک اشتر نخعی به سمت والی و حاکم مصر مندرج در نامه شماره ۵۳ نهج‌البلاغه که به «عهدنامه امیر»، «عهدنامه مالک‌اشتر»، «سیاست‌نامه علوی»، «فرمان حکومتی» و «منشور حکمرانی» نیز معروف است، از مهم‌ترین منابع دینی و اسناد راهبردی در

ساحت حکومت‌داری به‌شمار می‌رود. در این منشورنامه، امیرالمؤمنین علی (ع) با نگاه فرازمانی و فرامکانی و رویکرد آینده‌مدارانه، فراتر از مالک‌اشتر، تمامی حکمرانان و شهروندان را در تاریخ حال و آینده مورد خطاب قرار می‌دهد و بایستگی‌های حکمرانی ناظر بر هدایت و راهبری جوامع انسانی به‌سوی توسعه و پیشرفت را مورد ترسیم و تصریح قرار می‌دهد.

عهدنامه امیر به‌مثابه یکی از مهم‌ترین اسناد تاریخی برای بیان حکمت‌داری اسلام از شأن‌گران‌بهایی در میان جوامع اسلامی و نیز انظار پژوهشگران غیرمسلمان برخوردار است. این نامه بر نحوه اداره مطلوب امور حکمرانی دلالت دارد و جان‌مایه خرد معنوی برای اداره دولت و حکومت است (پورعزت، ۱۳۸۹، ص. ۱۱۶).

از بُعد مدیریتی، عهدنامه یک برنامه و طرح کلان راهبردی با قابلیت اجرایی و نظارت است که می‌توان از آن، فنون مدیریت دولتی و اداره سازمان را استخراج کرد. ابعاد حقوقی و قابلیت استخراج احکام حقوقی گوناگون از آن و ارزش‌های بنیادین اخلاقی حکومت، که در مدیریت از آن به‌عنوان فرهنگ سازمانی نام برده می‌شود، از دیگر ابعاد عهدنامه است. از منظر حکومتی نیز این عهدنامه ارجمندترین سند یا حداقل جزء عالی‌ترین اسناد بالادستی حکومت و نظام جمهوری اسلامی محسوب می‌شود (کعبی، ۱۳۹۰، صص. ۳۰-۳۲).

براین‌اساس، پردازش حکمرانی مطلوب با توسل به آموزه‌های اسلامی به علت جامعیت و حقانیت این آموزه‌ها فراتر از جذابیت علمی و مطالعاتی به‌عنوان یک ضرورت مدیریتی و سیاستی در جوامع اسلامی مطرح می‌باشد. از همین‌رو، در پژوهش حاضر تلاش گردیده است تا اصول و ارکان این الگوی مدیریتی - سیاستی در پرتوی آموزه‌های علوی مورد بازخوانی قرار گیرد. بدین‌منظور، با بهره‌گیری از روش توصیفی-تحلیلی به بازخوانی شاخص‌های حکمرانی مطلوب پرداخته و سپس هر یک از این شاخص‌ها با ارجاع به آموزه‌ها و منشور حکمرانی علوی مورد بررسی و تطبیق قرار گرفته است.

۱. پیشینه پژوهش

حکمرانی مطلوب به‌عنوان پارادایمی نوین در ساحت اداره و راهبری جوامع بشری از اهمیت ویژه‌ای در میان مجامع بین‌المللی و محافل علمی برخوردار گردیده و در مرکز توجه مطالعاتی دانشگران و پژوهشگران قرار گرفته است. در راستای این اهمیت و توجه، فعالیت‌های مطالعاتی متعددی نیز در داخل کشور در این حوزه

به‌ویژه با تمرکز بر مبانی و آموزه‌های دینی و علوی مورد انجام قرار گرفته است که در ادامه بخشی از این مطالعات مورد اشاره قرار می‌گیرد.

شاه‌آبادی و جامه‌بزرگی (۱۳۹۲) در مقاله‌ای تحت عنوان «نظریه حکمرانی خوب از دیدگاه نهج‌البلاغه» به بررسی نظریه حکمرانی خوب و مقایسه آن با دیدگاه امام علی (ع) در نهج‌البلاغه می‌پردازند و نتیجه‌گیری می‌کنند که دیدگاه امام علی (ع) درباره حکمرانی نه تنها منافاتی با نظریه حکمرانی خوب ندارد بلکه در بسیاری از موارد از آن کامل‌تر و جامع‌تر می‌باشد (شاه‌آبادی و جامه‌بزرگی، ۱۳۹۲).

سردارنیا و شاکری (۱۳۹۳) در مقاله‌ای تحت عنوان «تبیین حکمرانی خوب در نهج‌البلاغه با رویکرد روشی زمینه‌گرا» به تحلیل و بررسی حکمرانی خوب و شاخص‌های آن در نهج‌البلاغه پرداخته و نتیجه‌گیری می‌کنند که موضوع حکمرانی خوب در نهج‌البلاغه در قالب یک الگوی کاملاً مطلوب فرازمانی و فرامکانی در بستر یک جامعه توحیدی اسلامی و پذیرش مشروط و وضعیت‌مند تمام شاخص‌های امروزی این مفهوم در اندیشه سیاسی غرب ترسیم شده است (سردارنیا و شاکری، ۱۳۹۳).

یوسفی و بابایی (۱۳۹۴) در مقاله‌ای تحت عنوان «طراحی مدل حکمرانی خوب بر اساس نامه مالک اشتر و مقایسه آن با اصول حکمرانی خوب بانک جهانی» به طراحی مدل حکمرانی خوب از عهدنامه مالک اشتر و مقایسه آن با مؤلفه‌های حکمرانی خوب مورد نظر بانک جهانی می‌پردازند و نتیجه می‌گیرند دیدگاه امام علی (ع) درباره حکمرانی خوب از عناصر مشترکی با نظریه حکمرانی خوب بانک جهانی برخوردار می‌باشد و حقیقت واحدی از حکمرانی خوب را ارائه می‌دهند؛ با این وجود، روش‌های رسیدن به حکمرانی خوب در دو دوره به علت تفاوت‌های ساختاری هر زمان متفاوت است (یوسفی و بابایی، ۱۳۹۴).

بهادری (۱۳۹۸) در مقاله‌ای تحت عنوان «تحلیل مضمون عهدنامه امیرالمؤمنین علی (ع) با مالک اشتر» به بررسی مضامین عهدنامه می‌پردازد و الگوی حکومتی و تربیتی امیر مؤمنان (ع) متشکل از سه بعد رابطه حاکم با خدا، مردم و کارگزاران را مورد احصا و تبیین و درنهایت، تدابیر و راهکارهای تحقق این بایستگی‌ها را مورد استخراج و ارائه قرار می‌دهد (بهادری، ۱۳۹۸).

حلیمی جلودار و همکاران (۱۴۰۱) در مقاله‌ای تحت عنوان «مطالعه تطبیقی حکمرانی خوب از منظر نامه ۵۳ نهج‌البلاغه و آرای اسکاپی» به بررسی و مقایسه شاخص‌های حکمرانی خوب از دیدگاه امام علی (ع) و نهادهای بین‌المللی می‌پردازند و

نتیجه‌گیری می‌کنند که حکمرانی خوب از نگاه نهادهای بین‌المللی بر محوریت انسان استوار است درحالی‌که بر اساس شاخص‌های فرمان امام علی (ع) بر محوریت خداوند قرار دارد و تمامی ابعاد زندگی انسانی را به شیوه‌ای کامل‌تر پوشش می‌دهد (حلیمی جلودار، علویان و نیک‌جهان، ۱۴۰۱).

جمشیدی و صفری (۲۰۱۶) در مقاله‌ای تحت عنوان «اصول حکمرانی مطلوب در منشور مالک اشتر (مقایسه تطبیقی نشانگرهای حکمرانی مطلوب از منظر بانک جهانی با ابعاد دنیوی حکمرانی علوی)» به بررسی اصول حکمرانی مطلوب از منظر امام علی (ع) و بانک جهانی پرداخته و نتیجه‌گیری می‌کنند اصول حکمرانی علوی فراتر از مؤلفه‌های حکمرانی مطلوب، با لحاظ ابعاد دنیوی و اخروی، اهداف متعالی انسانی را نیز مورد لحاظ و ترسیم قرار می‌دهد (Jamshidi & Safari, 2016).

توکلی سادات و همکاران (۲۰۱۷) نیز در مقاله‌ای تحت عنوان «حکمرانی مطلوب در بافت نهج‌البلاغه» با تحلیل محتوایی نهج‌البلاغه به بررسی مؤلفه‌های حکمرانی مطلوب از منظر حضرت علی (ع) می‌پردازند و یازده نشانگر حاکمیت قانون، عدالت و عدم ظلم، برابری، مشارکت، خودمراقبتی، زمینه‌سازی حرکت به سمت خدا، تنویر افکار عمومی، اقتصاد سالم و پویا، تأمین زندگی اقشار فقیر جامعه، امنیت اجتماعی و پاسخگویی در برابر خداوند و مردم را مورد احصا و معرفی قرار می‌دهند (TavakoliSadat, Beiginia, Abedi, & Rahnama, 2017).

بررسی پیشینه پژوهش، حکایت از آن دارد که بازخوانی شاخص‌های حکمرانی مطلوب در آموزه‌های علوی به علت تحقق عینی حکمرانی مطلوب در قالب حکمرانی علوی و بهره‌برداری از این آموزه‌ها می‌تواند تحولات نظری و عملی شگرفی را در این ساحت به ارمغان آورد. براین اساس، پژوهش حاضر با اتخاذ رویکرد تطبیقی-توسعه‌ای به بازخوانی حکمرانی مطلوب در منشور حکمرانی علوی می‌پردازد که می‌تواند در تعمیق فهم و بینش و تولید و توسعه ادبیات موضوعی مؤثر واقع گردد.

۲. چهارچوب نظری پژوهش

چهارچوب نظری موردپژوهی حاضر مبتنی بر نظریه «حکمرانی خوب» مورد طرح‌ریزی قرار گرفته است. ایده «حکمرانی مطلوب» در اواخر دهه ۱۹۸۰ توسط بانک جهانی مطرح گردید و با افزایش چشمگیر عمومیت و مقبولیت به‌عنوان نقطه نهایی و آرمانی توسعه مورد توجه ویژه پژوهشگران و نهادهای توسعه قرارگرفت و

به‌طور فراگیری به «دستورکار مدیریتی - سیاستی» در جوامع و نهادهای جهانی تبدیل شد. به‌دنبال بانک جهانی، بسیاری دیگر از نهادهای مهم بین‌المللی مانند صندوق بین‌المللی پول، برنامه توسعه سازمان ملل، سازمان همکاری و توسعه اقتصادی و اتحادیه اروپا و دیگر نهادها و پژوهشگران ملی و بین‌المللی به اتخاذ و توسعه مفهوم حکمرانی مطلوب پرداختند.

حکمرانی مطلوب، الگویی از مدیریت جمعی زندگی عمومی را ارائه می‌دهد که توسط کارگزاران و شهروندان و رابطه جدید میان حکومت و جامعه مدنی مورد شکل‌گیری و پیاده‌سازی قرار می‌گیرد. در ماهیت جدید ارتباط این دو رکن نهادی و بنیادی حکمرانی مطلوب، اقتدار سیاسی حکومت در خدمت به‌روزی و منافع عمومی نسل حاضر و آینده قرار می‌گیرد و جامعه مدنی به‌عنوان ناظر، ارزیاب و منبع حقیقی مرجعیت، قدرت حکومت را کنترل، تعدیل و متوازن می‌نماید و در راستای توسعه و پیشرفت همه‌جانبه جامعه مورد جهت‌دهی و هدایت قرار می‌دهد (کمیجانی، و همکاران، ۱۳۹۸، ص. ۲۲۹). به‌عبارت‌دیگر، الگوی حکمرانی خوب با به رسمیت‌شناختن نیروهای گوناگون اجتماعی در عرصه‌های مختلف به هم‌زمانی نقش دولت و جامعه در مسیر توسعه و اداره امور عمومی و به‌نوعی بر تمرکززدایی در بستر اجتماعی و سیاسی توسعه تأکید دارد (صفریان و امام‌جمعه‌زاده، ۱۳۹۶، ص. ۱۷۵).

حکمرانی خوب درواقع یک گفتمان نوین در اعمال حکمرانی به حساب می‌آید که با تلفیق مؤلفه‌های خاص، حکمرانی ایدئال را توصیف می‌کند (امامی و شاکری، ۱۳۹۴، ص. ۳۰). حکمرانی خوب، به تعبیری دیگر، بیانی نو از مفاهیمی همچون حقوق بشر، دموکراسی، مسئولیت‌پذیری، پاسخگویی، مشارکت و قانون‌مندی است. به مفهوم دیگر، حکمرانی خوب بیان‌کننده توسعه حق‌بنیاد و انسان‌محور است. درعین‌حال، ساختاری را به وجود آورده است که همه این اهداف و ارزش‌ها یک‌جا جمع شوند و بسترهای لازم را برای تحقق اهداف مشخص‌شده، به وجود آورند (امامی و شاکری، ۱۳۹۶، ص. ۴۶). ازهمین‌رو، حکمرانی خوب، مردم را صاحبان حق می‌داند که قدرت و اعمال اقتدار را به دولت واگذار می‌کنند تا با حکمرانی خوب، بهزیستی عمومی، توسعه پایدار انسانی و رضایت مادی و معنوی را به حداکثر برساند و از حقوق اساسی آن‌ها از قبیل آزادی و گسترش دامنه انتخاب‌ها حمایت کند (دوله، سیف‌الهی و زنجانی، ۱۳۹۸، ص. ۱۲۶). براین‌اساس، مفهوم حکمرانی خوب در ذات خود تعامل و همکاری بین جامعه مدنی و نظام سیاسی یا تعامل بین دولت و شهروندان را دارد.

بنابراین، حکمرانی خوب، ناظر بر سیاست مبتنی بر مشارکت، دولت دموکراتیک، کارآمدی حکومت و مدیریت با کیفیت در جامعه است (ساعی و روشن، ۱۳۸۹، ص. ۱۶۹). در این راستا، مبانی نظری مورد پژوهی حاضر در چهارچوب «منظومه حکمرانی مطلوب» (کميجانی، ۱۳۹۸، ص. ۱۶۰) طراحی و اجرا می‌شود. براین اساس، نظریه و الگوی حکمرانی خوب به لحاظ نظری و عملی از ابعاد هنجاری برخوردار می‌باشد که استلزامات ماهوی آن پیرامون پنج اصل پاسخگویی، شفافیت، مشارکت، حاکمیت قانون و کارآمدی و استلزامات نهادی آن پیرامون دو رکن حکومت و جامعه مدنی از همگرایی و هم‌افزایی برخوردار می‌گردند و با کانونیت عدالت به‌عنوان جوهره حکمرانی در فرایند تحول‌آفرینی و پیش‌برندگی خود به توسعه پایدار انسانی و اجتماعی رهنمون می‌گردد.

۳. اصول حکمرانی مطلوب

بر اساس منظومه حکمرانی مطلوب، اصول حکمرانی مطلوب بر مؤلفه‌ها و عناصر هنجاری این الگوی متعالی مدیریت و اداره عمومی اشاره دارد و مشمول پاسخگویی، شفافیت، مشارکت، حاکمیت قانون و کارآمدی می‌گردد. در این راستا، پاسخگویی بر جوابگویی و حساب‌دهی مسئولانه و متعهدانه مقامات و کارگزاران در قبال کارکردها و عملکردها اشاره دارد. شفافیت بر وضوح، صراحت و عمومیت فرایندهای تصمیم‌گیری و جریان آزاد اطلاعات اطلاق می‌شود. مشارکت به حضور و نقش‌آفرینی مردم در تصمیم‌گیری‌ها و مدیریت سیاسی و عمومی جامعه می‌پردازد. حاکمیت قانون بر احترام و التزام شهروندان و کارگزاران به قوانین و ابتنای نظم و اداره عمومی جامعه بر ضوابط قانونی دلالت دارد. درنهایت، کارآمدی به ظرفیت بهره‌برداری و کاربرد مدبرانه منابع محدود انسانی و مالی اشاره دارد.

۳-۱. پاسخگویی

به‌عنوان نخستین اصل ماهوی حکمرانی مطلوب، پاسخگویی به معنای مسئول‌سازی افراد در قبال رفتارها و کنش‌ها می‌باشد و به وظایف مرتبط با جایگاه‌ها و نهادها و تعهدات متناظر آن‌ها اشاره دارد. پاسخگویی به استلزام افراد و نهادهای برخوردار از مسئولیت حاکمیتی به ایفای کارکردها و تعهدات حرفه‌ای اشاره دارد. عدم انجام کارکردها یا وظایف یا انجام آن‌ها به شکل نامناسب از مصادیق قصور در وظیفه و

فقدان پاسخگویی به‌شمار می‌رود. براین‌اساس، پاسخگویی از ارتباط تنگاتنگی با مفهوم مسئولیت‌پذیری برخوردار می‌باشد. به‌عبارتی‌دیگر، مسئولیت‌پذیری محصول بسط مفهومی پاسخگویی است و به معنای جواب‌دهی به‌هنگام و مسئولانه مقامات و نهادهای حاکمیتی به مطالبات شهروندان می‌باشد و جواب‌دهی با تأخیر و بدون علت و همچنین رهاسازی حل‌وفصل مسائل را برنمی‌تابد. مسئولین و نهادها در صورت ضرورت باید پیش‌دستانه به دریافت توصیه‌های شهروندان، تبیین سیاست‌ها و پاسخگویی منظم به مطالبات شهروندان مبادرت ورزند (کمیجانی و همکاران ۱۳۹۸، ص. ۲۱۸).

بر این اساس، پاسخگویی بر مسئول‌سازی محسوس افراد و سازمان‌ها نسبت به عملکرد اشاره دارد. پاسخگویی دارای چهار شکل عمده می‌باشد که این اشکال از پیوند و یکپارچگی فزاینده‌ای برخوردار هستند:

- ❖ پاسخگویی مالی: تعهد افراد اداره‌کننده منابع، واحدهای عمومی یا هر پست دیگر مسئولیتی مبنی بر ارائه گزارش درباره کاربرد برنامه‌ریزی‌شده و واقعی منابع یا واحد مسئولیتی معین. این امر شامل تضمین شفافیت در فرایندها و رویه‌ها در راستای دستیابی به این تعهد می‌گردد؛
- ❖ پاسخگویی مدیریتی: شامل نظام‌های مهم کنترلی در داخل حاکمیت می‌گردد که کارکرد مناسب کنترل‌ها و ترازهای مورد استفاده توسط حکومت مشروع و شهروندان مشارکت‌گر را تضمین و تکمیل می‌کند. این شکل شامل استانداردها و محرک‌های خدمات عمومی، منشور اخلاقی، مجازات کیفری و بازنگری مدیریتی-اداری می‌گردد؛
- ❖ پاسخگویی اجتماعی: رویکردی مطالبه‌محور و مبتنی بر مشارکت مدنی است و مطالبه شهروندان و گروه‌های عمومی در جهت پاسخگویی فزاینده‌تر نسبت به اقدامات و نتایج عمومی را شامل می‌گردد؛
- ❖ پاسخگویی سیاسی: مقامات انتخابی یا انتصابی از طریق انتخابات ادواری و مکانیسم‌های نظارتی نسبت به اقدامات زمان مسئولیت خود پاسخگو می‌شوند (Welch & Nuru, 2006, 174).

در این راستا، امیرالمؤمنین علی (ع)، حق پرسش از حکومت و کارگزاران را برای عموم مردم به رسمیت می‌شناسد و در همین راستا در بخشی از نامه حکومتی و منشور حکمرانی خود به مالک اشتر می‌فرماید: «برای کسانی که به تو نیاز دارند، زمانی معین کن که در آن فارغ از هرکاری به آنان بپردازد. برای دیدار با ایشان به

مجلس عام بنشین، مجلسی که همگان در آن حاضر توانند شد ... در برابرشان فروتنی نما تا سپاهیان، یاران، نگهبانان و پاسبانان به یک سو شوند تا سخنگویشان بی‌هراس و بی‌لکنت زبان سخن خویش بگوید که من از رسول الله (ص) بارها شنیدم که می‌گفت: پاک و آراسته نیست امتی که در آن، زیردست نتواند بدون لکنت زبان حق خود را از قوی دست بستاند. پس تحمل نما درشت‌گویی یا عجز آن‌ها را در سخن گفتن. تنگ‌حوصلگی و خودپسندی را از خود دور ساز تا خداوند درهای رحمتش را به روی تو بگشاید و ثواب طاعتش را به تو عنایت فرماید و اگر چیزی می‌بخشی، چنان بخش که گویی تو را گوارا افتاده است و اگر منع می‌کنی، باید که منع تو با مهربانی و پوزش خواهی همراه باشد» (نهج‌البلاغه، ۱۳۸۵، ص. ۴۱۵).

۲-۳. شفافیت

به‌عنوان دومین اصل حکمرانی مطلوب، اصل شفافیت به تمامی ابزارهای تسهیل دسترسی شهروندان به اطلاعات و آگاهی آن‌ها از مکانیسم‌های تصمیم‌گیری اشاره و دلالت دارد. شفافیت عمومی با کاربست واضح استانداردها و دسترسی به اطلاعات آغاز می‌شود (Welch & Nuru, 2006, 182). به تعبیری دقیق‌تر، شفافیت به عمومیت اطلاعات سیاسی اشاره دارد. تمامی شهروندان از حق دسترسی به اطلاعات مورد نیاز در خصوص سیاست‌های حکومت از جمله فعالیت‌های قانون‌گذاری، سیاست‌گذاری، قراردادهای حقوقی، اجرای سیاست‌ها، بودجه‌اداری - عملیاتی، هزینه‌های عمومی و دیگر اطلاعات سیاسی مرتبط برخوردار می‌باشند. شفافیت مستلزم آن است که اطلاعات سیاسی مذکور در زمان مناسب و از طریق رسانه‌های متنوع در اختیار شهروندان قرار گیرد تا بتوانند به شکلی اثربخش در سیاست‌گذاری عمومی مشارکت نموده و فرایند مدیریت عمومی را مورد نظارت قرار دهند (کميجانی و همکاران، ۱۳۹۸، ص. ۲۱۸).

در نگرش امیرالمؤمنین علی (ع)، آگاهی از امور کشور حق مردم است و تنویر افکار عمومی و پاسخ به پرسش‌ها از وظایف حاکمان و کارگزاران به‌شمار می‌رود. حضرت علی (ع) در همین راستا در نامه حکومتی و عهدنامه حکمرانی خود به مالک اشتر می‌فرماید: «هرگاه مردم تصور کردند که تو از راه حق منحرف شده و ظلمی به آنان روا کرده‌ای، آشکارا با آنان سخن بگو، عذر خویش را درباره آنچه باعث بدبینی شده با آنان در میان گذار و با آشکارشدن در میان مردم، آنان را از بدگمانی رها کن» (نهج‌البلاغه، ۱۳۸۵، ص. ۴۱۷).

افزون‌براین، آن حضرت می‌فرمایند: «آگاه باشید! حق شما بر من آن است که جز اسرار جنگی، هیچ رازی را از شما پنهان ندارم و در امری که پیش می‌آید، جز حکم الهی کاری جز با مشورت شما انجام ندهم و در پرداخت حق شما کوتاهی نکرده و در وقت تعیین‌شده آن را بپردازم و با همه شما به‌گونه‌ای مساوی رفتار کنم» (نهج‌البلاغه، ۱۳۸۵، ص. ۴۰۱).

۳-۳. مشارکت

به‌عنوان سومین اصل ماهوی حکمرانی مطلوب، مشارکت به معنی حضور و نقش‌آفرینی عموم شهروندان در تصمیم‌گیری‌های مختلف معطوف به مدیریت سیاست عمومی جامعه است که به‌صورت مستقیم و یا از طریق نمایندگان و نهادهای واسط مشروع تحقق می‌یابد. براین اساس، مشارکت در متن وجود آزادی بیان، حق اظهار نظر و امنیت فردی تمامی افراد جامعه در حوزه‌های مختلف سیاست عمومی و از طریق مکانیسم‌ها و ابزارهای متعدد صورت می‌پذیرد و بستر نقش‌آفرینی آگاهانه و فعالانه تمامی شهروندان در فرایند اداره و راهبری عمومی جامعه را فراهم می‌نماید (کمیجانی و همکاران، ۱۳۹۸، ص. ۲۱۹). به‌تعبیری دیگر، حکمرانی مطلوب مستلزم سطح بالایی از مشارکت از سوی جوامع، جامعه مدنی، اقلیت‌ها، بومیان، زنان و دیگران می‌باشد. این مشارکت باید فعال، آزاد و معنی‌دار صورت پذیرد و صرف ارتباطات رسمی یا تشریفاتی با ذینفعان کافی نمی‌باشد. این رویکرد بر مسائل «دسترسی» از جمله دسترسی به فرایندهای توسعه، نهادها، اطلاعات و مکانیسم‌های دادخواهی و جبران خسارت توجه ویژه‌ای دارد (Welch & Nuru, 2006, 180).

از منظر امیرالمؤمنین علی (ع)، حضور و مشارکت مردم از مفهوم عمیقی برخوردار است و بر ضرورت برخورداری حکومت از پشتوانه مردمی دلالت دارد. در همین راستا، حضرت علی (ع) می‌فرمایند: «هرگز گمان مبرید که مطلب و سخن حقی که به من می‌گویید برایم سنگین باشد و از آن ناراحت شوم و گمان مدارید که من در فکر بزرگ جلوه دادن خویشم؛ زیرا کسی که شنیدن و عرضه حق و عدالت بر او دشوار باشد، عمل به آن برایش دشوارتر خواهد بود و بنابراین از گفتن حق و یا مشورت به عدل با من خودداری مکنید؛ زیرا من شخصاً خویش را مافوق آنکه اشتباه کنم نمی‌دانم و از آن در کارهایم ایمن نیستم، مگر اینکه خداوند مرا حفظ کند» (نهج‌البلاغه، ۱۳۸۵، ص. ۳۱۷).

۳-۴. حاکمیت قانون

حاکمیت قانون به این مضمون اشاره دارد که قانون به‌عنوان مهم‌ترین اصل در مدیریت سیاست عمومی به‌شمار می‌رود و تمامی مقامات حاکمیتی و شهروندان ملزم به رعایت آن هستند و باید در مقابل آن برابر باشند. تنظیم رفتار شهروندان، مدیریت امور اجتماعی و حفظ یک نظم طبیعی در زندگی اجتماعی به‌عنوان هدف اولیه حاکمیت قانون و صیانت از حقوق سیاسی بنیادین شهروندان مانند آزادی و برابری به‌مثابه هدف نهایی حاکمیت قانون به‌شمار می‌رود. بدین ترتیب، حاکمیت قانون از مفهومی متمایز و مخالف با حاکمیت فرد برخوردار است و ضمن تنظیم رفتار شهروندان، رفتار حکومت را نیز محدود می‌کند. با این وجود، حاکمیت قانون به‌عنوان یکی از اصول حکمرانی مطلوب بدون یک نظام حقوقی عادلانه، احترام به قوانین یا نظم اجتماعی مبتنی بر قانون امکان‌پذیر نمی‌باشد (کميجانی و همکاران، ۱۳۹۸، ص. ۲۱۹). بر این اساس، تمامی افراد، نهادها و دستگاه‌های دولتی یا خصوصی از جمله خود دولت نسبت به قوانینی که از استقلال وضع، اعلام رسمی و اعمال یکسان برخوردار و با هنجارها و استانداردهای حقوق بشر بین‌المللی منطبق هستند، پاسخگو و جواب‌گو می‌باشند. این اصل همچنین نیازمند اتخاذ اقداماتی به منظور تضمین پایبندی به اصول برتری قانون، برابری در مقابل قانون، پاسخگویی نسبت به قانون، انصاف در اعمال قانون، تفکیک قوا، مشارکت در تصمیم‌گیری، قطعیت قانونی، اجتناب از خودسرانگی و شفافیت رویه‌ای و حقوقی می‌باشد (Welch & Nuru, 2006, 181-). (۱۸۲)

در همین راستا، امیرالمؤمنین علی (ع) در حکم حکومتی و منشور حکمرانی خطاب به مالک اشتر می‌فرمایند: «حق و قانون را درباره کسی که لازم است اجرا کن، بدون توجه به اینکه آن شخص از نزدیکانت به‌شمار می‌آید (نهج‌البلاغه، ۱۳۸۵، ص. ۴۱۷). افزون‌براین، آن حضرت، همگان به‌ویژه کارگزاران خویش را به رعایت حقوق مردم دعوت نموده و می‌فرمایند: «باید محبوب‌ترین امور نزد تو میانه‌ترین آنان در حق باشد» (نهج‌البلاغه، ۱۳۸۵، ص. ۴۰۵).

۳-۵. کارآمدی

درنهایت و به‌عنوان پنجمین اصل ماهوی حکمرانی مطلوب، کارآمدی به ظرفیت تحقق اهداف فردی یا نهادی اشاره دارد. کارآمدی مستلزم توان، حساسیت و تفاهم نسبت به مسائل معین انسانی، توانایی اظهار این مسائل، هدف‌گذاری جهت پردازش

مسائل و اجرای راهبردها جهت تحقق این اهداف است. بنابراین، کارآمدی به موفقیت فرایندها و نهادهای موجود در تولید نتایج معطوف به تأمین نیازها با توسل به کاربرد بهینه منابع اشاره دارد (Welch & Nuru, 2006, 176) به عبارت دقیق‌تر، فرایندها و نهادها از قابلیت کاربرد بهینه منابع در راستای تأمین نیازها برخوردار می‌باشند (UNDP, 1997). کارآمدی اساساً به کارایی مدیریتی و عملکردی اطلاق می‌شود و از دو مفهوم ضروری برخوردار می‌باشد: الف) ساختارها، رویه‌ها و فعالیت‌های مشروع و مقبول؛ و ب) هزینه‌های مدیریتی و عملکردی معقول. فعالیت‌های غیر اثربخش یا ناکارآمد با حکمرانی مطلوب هماهنگی ندارند (کمیجانی و همکاران، ۱۳۹۸، ص. ۱۳۹۸).

اصل کارآمدی، به‌ویژه در ساحت حکومت نیز پیوسته مورد تأکید و تصریح آموزه‌های علوی قرار دارد. امیرالمؤمنین علی (ع) در حکم حکومتی و منشور حکمرانی خطاب به مالک اشتر چهار مورد مهم مدیریت امور مالیاتی، مدیریت امنیت عمومی، مدیریت امور عمومی و مدیریت توسعه و سازندگی را به‌عنوان جلوه‌های کارآمدی و اثربخشی حکومت مورد معرفی و تأکید قرار می‌دهند (نهج‌البلاغه، ۱۳۸۵، ص. ۴۰۳). افزون‌براین، آن حضرت، کارآمدی نظام سیاسی را در گرو چهار عامل اتحاد و وحدت کلمه، اطاعت از رهبری جامعه، تلاش حکومت در امر عمران و آبادانی کشور و تعهد نسبت به ادای امانت‌ها و انجام مسئولیت‌های اجتماعی به‌شمار می‌آورند (نهج‌البلاغه، ۱۳۸۵، ص. ۴۹).

۴. ارکان حکمرانی مطلوب

بر اساس منظومه حکمرانی مطلوب، ارکان حکمرانی مطلوب بر نهادها و تشکیلات این رویکرد نوین ساماندهی و اعمال قدرت عمومی دلالت دارد و شامل دو رکن بنیادین حکومت و جامعه مدنی می‌گردد. در این راستا، حکومت به‌عنوان کانون اقتدار و قدرت سیاسی به بهره‌برداری از منابع و کنترل و اعمال نیروی قهریه در قلمروی سرزمینی معین مبادرت می‌ورزد. جامعه مدنی نیز ارتباط میان شهروندان و عرصه اداره و مدیریت عمومی جامعه را برقرار می‌نماید و قدرت حکومت را مورد کنترل و تعدیل قرار می‌دهد.

۴-۱. جامعه مدنی

به‌عنوان نخستین و مهم‌ترین رکن نهادی حکمرانی مطلوب، جامعه مدنی به عرصه اقدام جمعی غیراجباری پیرامون منافع، اهداف و ارزش‌های مشترک اشاره دارد. جامعه مدنی عموماً مجموعه متنوعی از محافل، بازیگران و اشکال نهادی را شامل می‌گردد که از نظر سطح رسمیت، استقلال و قدرت متفاوت می‌باشند. جوامع مدنی غالباً از سازمان‌هایی مانند مؤسسات خیریه، سازمان‌های غیردولتی توسعه، گروه‌های اجتماعی، سازمان‌های بانوان، سازمان‌های مذهبی، انجمن‌های صنفی، اتحادیه‌های تجاری، گروه‌های خودیاری، جنبش‌های اجتماعی، انجمن‌های کسب‌وکار، ائتلاف‌ها و گروه‌های پشتیبان تشکیل می‌شوند (Welch & Nuru, 2006, 175)

سازمان‌های جامعه مدنی به مشارکت مردم در فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی جهت می‌دهند و مردم را به منظور تأثیرگذاری بر سیاست‌های عمومی و دسترسی به منابع عمومی در قالب گروه‌های قدرتمند مورد سازماندهی قرار می‌دهند. سازمان‌های جامعه مدنی می‌توانند قدرت حکومت را کنترل و متوازن نمایند و سوءاستفاده‌های اجتماعی را مورد نظارت و پایش قرار دهند. این سازمان‌ها همچنین از طریق پایش و رصد محیطی، رسیدگی به محرومین، توسعه منابع انسانی و تسهیل ارتباطات بازرگانی می‌توانند فرصت توسعه ظرفیت‌ها و بهبود استانداردهای زندگی را برای مردم فراهم نمایند (Elahi, 2009, 1171). براین اساس، جامعه مدنی شهروندان را به حوزه مدیریت و اداره عمومی - سیاسی جامعه پیوند می‌دهد؛ به‌عبارت‌دیگر، جامعه مدنی به‌مثابه چهره سیاسی جامعه به‌شمار می‌رود و از حقوق شهروندان صیانت و پاسداری می‌کند. جامعه مدنی با اظهار و مطالبه منافع عمومی، نهادینه‌سازی تعاملات اجتماعی، کاهش فرصت‌طلبی، تقویت اعتماد، تسهیل فعالیت‌های سیاسی و اقتصادی منجر به تقلیل تنگناهای اقدام جمعی می‌گردد (کميجانی و همکاران ۱۳۹۸، ص. ۲۲۳).

جامعه مدنی و نقش آن در حکمرانی مطلوب به‌عنوان پدیده‌ای مدرن به‌شمار می‌رود، با این وجود، این مقوله نوین نیز در حکمرانی علوی در ساحت نظری و عملی مطرح و مورد تصریح می‌باشد. جامعه مدنی مدرن به‌عنوان تبلور نسبی از جامعه علوی با کارکردهای مشروعیت‌بخشی و هدایت صحیح حکومت و حکمرانان مورد طرح می‌باشد. به‌عنوان نمونه، امیرالمؤمنین علی (ع) می‌فرماید: «آگاه باشید! سوگند به آنکه دانه را شکافت و انسان را بیافرید، اگر حضور حاضران نبود، و حجت با وجود یاوران تمام نمی‌شد و اگر خداوند از علما عهد و پیمان نگرفته بود که در

برابر شکم‌بارگی ستمگران و گرسنگی مظلومان، سکوت نکنند، مهار شتر حکومت را بر کوهان آن انداخته، رهایش می‌ساختم، و آخر خلافت را با کاسه اول آن سیراب می‌کردم. چرا که دنیای شما نزد من از آب بینی بزغاله‌ای بی‌ارزش‌تر است» (نهج‌البلاغه، ۱۳۸۵، ص. ۳۱). مسلماً، مشروعیت حکمرانی در این دوران نیز به شکل محسوسی توسط مردم و جامعه مدنی صورت می‌پذیرفته است. علی^(ع) به‌طور ویژه بر این مطلب تأکید داشته‌اند و حضور حاضران را به‌عنوان عامل اصلی پذیرش حکمرانی مسلمانان بیان کرده‌اند. البته، چنین کاری، در عمل، به پذیرش نقش شهروندان در فرایند حکمرانی دلالت دارد (درزی و صدریه، ۱۳۹۴، ص. ۱۱۴).

افزون‌براین، در اندیشه امیرالمؤمنین علی^(ع) تأکید زیادی بر کیفیت رابطه حکومت با شهروندان شده است؛ ایشان جوهری‌ترین مفهوم دموکراسی‌های امروزی را مورد غفلت قرار نمی‌دهد و بر این مفهوم حتی به‌مراتب بیشتر از دموکراسی‌های سکولار تأکید کرده و حکمرانان را به رعایت حقوق شهروندی توصیه و ملزم می‌سازد. آن حضرت در ارتباط با حقوق مردم به (مالک اشتر) یکی از کارگزاران خود می‌فرماید: «دوست‌داشتنی‌ترین چیزها در نزد تو، در حق میانه‌ترین، و در عدل فراگیرترین، و در جلب خشنودی مردم گسترده‌ترین باشد، که همانا خشم عمومی مردم، خشنودی خواص (نزدیکان) را از بین می‌برد، اما خشم خواص را خشنودی همگان بی‌اثر می‌کند. خواص جامعه همواره بار سنگینی را بر حکومت تحمیل می‌کنند، زیرا در روزگار سختی، یاری‌شان کمتر و در اجرای عدالت از همه ناراضی‌تر و در خواسته‌هایشان پافشارتر و در عطا و بخشش‌ها کم‌سپاس‌تر و به‌هنگام منع خواسته‌ها دیرعذرپذیرتر و در برابر مشکلات کم‌استقامت‌تر هستند. در صورتی که ستون‌های استوار دین و اجتماعات پرشور مسلمین و نیروهای ذخیره دفاعی، عموم مردم می‌باشند، پس به آن‌ها گرایش داشته و اشتیاق تو با آنان باشد» (نهج‌البلاغه، ۱۳۸۵، ص. ۴۰۵). حضرت علی^(ع) در این فرمایش بسیار زیبا، مفهوم محوری مردم و مردم‌داری را به‌عنوان پیش‌شرط مهم مشروعیت‌بخشی و رضایت عمومی از حکومت و نیز جزء فلسفه و اهداف حکومت و حکمرانی مطرح می‌کنند (سردارنیا و شاکری، ۱۳۹۳، ص. ۳۸).

۲-۴. حکومت

به‌عنوان دومین رکن بنیادین حکمرانی مطلوب، حکومت به مجموعه نهادهای سیاسی اشاره دارد که تمرکز ویژه آن به نمایندگی از منافع عمومی و در چهارچوب

قلمروی معین سرزمینی بر سازماندهی و مدیریت اجتماعی و سیاسی معطوف می‌باشد (Welch & Nuru, 2006, 182). حکومت به‌عنوان مرکز قرارداد اجتماعی به تعریف مفهوم و مدلول شهروندی می‌پردازد و به‌عنوان مرجع اقتدار سرپرستی به کنترل و اعمال نیروی قهریه مبادرت می‌ورزد و با تأمین فرصت‌های برابر و تضمین دسترسی عمومی به اطلاعات اجتماعی، اقتصادی و سیاسی نسبت به توانمندسازی مردم اقدام می‌نماید (Elahi, 2009, 1171).

جایگاه و کارکرد حکومت در عرصه حکمرانی نیز در آموزه‌های علوی مورد طرح و تأکید قرار گرفته است. امیرالمؤمنین علی (ع) هدف از حکومت را ایجاد امنیت، تقویت رفاه عمومی، احقاق حق مظلومین، تحقق عدالت در جامعه و حاکمیت قانون معرفی می‌نمایند. در همین ارتباط، آن حضرت در خصوص اهداف عالی حکومت اسلامی (فلسفه حکومت اسلامی) می‌فرماید: «خدایا تو می‌دانی که جنگ و درگیری ما برای به دست آوردن قدرت، حکومت، دنیا و ثروت نبود، بلکه می‌خواستیم نشانه‌های حق و دین تو را به جایگاه خویش بازگردانیم و در سرزمین‌های تو اصلاح را ظاهر کنیم تا بندگان ستم‌دیده‌ات در امن و امان زندگی کنند و قوانین و مقررات فراموش شده تو بار دیگر اجرا گردد» (نهج‌البلاغه، ۱۳۸۵، ص. ۱۷۵).

نقش‌آفرینی حکومت در عرصه حکمرانی مطلوب در اراده و ظرفیت حکومت در ایجاد و تثبیت نظامات بنیادین حکمرانی متجلی می‌گردد. در این راستا، نظام انتخاب و انتصاب شایسته‌گزین با ظرفیت رقابت‌آفرینی عادلانه و صلح‌آمیزانه برای تمامی اعضای جامعه، نظام انتشار اطلاعات با ظرفیت توزیع به‌هنگام اطلاعات دقیق و کامل، نظام تأمین امنیت عمومی با ظرفیت ایجاد ثبات پایدار سیاسی، اقتصادی و اجتماعی، نظام حقوق بشر با ظرفیت صیانت و پاسداری از حقوق شهروندان و نظام تأمین و کاربرد عادلانه منابع عمومی از جمله نشانگرهای کارکردی و عملکردی این نقش‌آفرینی به‌شمار می‌روند (کمیحانی و همکاران، ۱۳۹۸، صص. ۲۲۶-۲۲۷).

۱-۲-۴. نظام شایسته‌سالاری

نخستین کارویژه حکومت در چهارچوب حکمرانی مطلوب در نهادینه‌سازی نظام انتخاب و انتصاب شایسته‌گزین متبلور می‌گردد و اصل پاسخگویی و مسئولیت‌پذیری را تضمین می‌نماید. شایسته‌سالاری و شایسته‌گزینی به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های راهبردی در پیشبرد اداره امور عمومی همواره مورد تأکید اندیشمندان و صاحب‌نظران می‌باشد. به تعبیری دیگر، واگذاری امور عمومی به افراد شایسته از

حقوق بنیادین اعضای جامعه به‌شمار می‌رود و شایستگان، بنابر مراتب و اقتدار شایستگی، نسبت به وظایف و تعهدات از ظرفیت پاسخگویی و مسئولیت‌پذیری فزاینده‌تری برخوردار می‌باشند. در این راستا، مکانیسم‌های انتخاب و انتصاب ضابطه‌مند مقامات و کارگزاران، توان کارشناسی بوروکرات‌ها، فضای رقابتی سالم و عادلانه برای کسب مناصب حاکمیتی و مشاغل کارگزاری، رعایت اصل فرصت‌های اشتغال برابر و ... از جمله شاخص‌های عملیاتی این نشانگر به‌شمار می‌روند.

در این راستا، مسئله شایسته‌سالاری در حکمرانی علوی مورد تأکید قرار گرفته است. یکی از مؤلفه‌های حکمرانی مطلوب از منظر امیرالمؤمنین علی (ع) انتخاب افراد شایسته برای مناصب حاکمیتی و مشاغل کارگزاری است. آن حضرت در حکم حکومتی و منشور حکمرانی خود خطاب به مالک اشتر می‌فرماید: «در کار کارگزاران بنگر و پس از آزمایش به کارشان برگمار و به سبب دوستی با آن‌ها، بی‌مشورت دیگران به کارشان مگمار، زیرا به رأی خود کارکردن و از دیگران مشورت نخواستن گونه‌ای از ستم و خیانت است. کارگزاران شایسته را در میان گروهی بجوی که اهل تجربه و حیا هستند و از خاندان‌های صالح، آن‌ها که در اسلام سابقه‌ای دیرین دارند. اینان به اخلاق شایسته‌ترند و آبرویشان محفوظ‌تر است و از طمع‌کاری بیشتر روی گردانند و در عواقب کارها بیشتر می‌نگرند» (نهج‌البلاغه، ۱۳۸۵، ص. ۴۱۱).

۲-۲-۴. نظام انتشار و دسترسی اطلاعات

دومین کارویژه حکومت در چهارچوب حکمرانی مطلوب در تثبیت نظام انتشار و دسترسی اطلاعات محقق می‌گردد و اصل شفافیت را تضمین می‌نماید. در این راستا، دسترسی به اطلاعات صرفاً مشمول ترویج و صیانت از حق برخورداری از اطلاعات نمی‌گردد و به همان میزان، ترویج و صیانت از ارتباطات (کاربرد اطلاعات) در راستای اظهار نظر و بیان دیدگاه‌ها، مشارکت در فرایندهای دموکراتیک در تمام سطوح (محلی، ملی، منطقه‌ای و جهانی) و اولویت‌گذاری اقدام را نیز دربرمی‌گیرد (Welch & Nuru, 2006, p. 174). آزادی بیان، اجتماعات و رسانه‌ها، شفافیت مؤسسات و تبادلات مالی، توزیع عادلانه و به‌هنگام اطلاعات، و ... از جمله شاخص‌های این کارویژه لحاظ می‌گردند.

مسئله انتشار عمومی اطلاعات نیز به‌عنوان یکی دیگر از مؤلفه‌های حکمرانی خوب در منشور حکمرانی علوی مورد تصریح قرار گرفته است. آن حضرت تنویر افکار عمومی و آگاهی عمومی از تمام مسائل مربوط به حکومت‌داری به جز مسائل

نظامی و اسرار جنگی را به‌عنوان حق عمومی لحاظ می‌دارند و حضور و گفت‌وگوی مستقیم کارگزاران با مردم را در جهت رفع بدگمانی‌ها مورد توصیه قرار می‌دهند (نهج‌البلاغه، ۱۳۸۵، صص. ۴۰۱ - ۴۱۷).

۳-۲-۴. نظام امنیت عمومی

تأمین امنیت عمومی یکی دیگر از کارویژه‌های حکومت در ساحت حکمرانی مطلوب به‌شمار می‌رود و اصل مشارکت را مورد پشتیبانی قرار می‌دهد. امنیت از مهم‌ترین نیازها و ضرورت‌های جوامع بشری است و برقراری نظم و امنیت فراگیر، مستمر و برابر از مهم‌ترین وظایف حکومت و مشروع‌ترین انتظارات مردم و جامعه از حکومت به‌شمار می‌رود. در این راستا، افزون بر امنیت اقتصادی و اجتماعی، امنیت انسانی از بنیادی‌ترین مؤلفه‌های نظام تأمین عمومی است. امنیت انسانی به معنای صیانت از آزادی‌های اساسی است. امنیت انسانی به معنای صیانت از افراد در مقابل تهدیدات و موقعیت‌های حساس و بحرانی می‌باشد. امنیت انسانی همچنین به معنای ایجاد نظام‌هایی است که عناصر اصلی حیات، منزلت و زندگی را در اختیار مردم قرار می‌دهند. امنیت انسانی، ضمن تسهیل توسعه انسانی و ارتقای حقوق بشر، با مردم‌محوری و پردازش ناامنی‌های معطوف به تهدیدات امنیت ملی به‌عنوان مکمل امنیت حکومت نیز عمل می‌نماید. افزون بر امنیت انسانی، عدم حاکمیت مدیریت امنیتی، عدم دخالت نظامیان در امور سیاسی، اعتماد عمومی به حافظان امنیت، برخورد محترمانه نیروهای امنیتی و انتظامی با مردم، دسترسی به نیروهای انتظامی در مواقع نیاز، حفاظت و صیانت از محیط‌زیست و منابع طبیعی و ... از جمله شاخص‌های این نشانگر به‌حساب می‌آیند.

مسئله امنیت نیز در آموزه‌های علوی مورد اشاره و تأکید قرار گرفته است. امیرالمؤمنین علی (ع) فراتر از امنیت صرف سیاسی، امنیت در تمامی ابعاد را مورد طرح و تصریح قرار می‌دهند. تأکید بر امنیت اقتصادی صاحبان صنایع و تجار، تأکید بر امنیت قضایی به‌عنوان سپر دیگر ابعاد امنیت، اهتمام به امور حافظان امنیت، و نفی روحیه خودکامگی و استبداد به‌عنوان موانع ثبات و امنیت (نهج‌البلاغه، ۱۳۸۵، صص. ۴۰۳-۴۰۹) از جمله تأکیدات آن حضرت در مسئله امنیت عمومی به‌شمار می‌روند.

۴-۲-۴. نظام حقوق بشر

استقرار نظام حقوق بشری به‌عنوان یکی دیگر از کارویژه‌های حکومت در چهارچوب حکمرانی مطلوب متضمن حاکمیت قانون است. در این راستا، حقوق بشر به این ایده اشاره دارد که تمامی مردم، مردان و زنان، مستحق برخورداری از ظرفیت‌های انسانی و تریبیت اجتماعی هستند که آن‌ها را از اشکال مختلف سوءاستفاده و محرومیت صیانت می‌نماید و آن‌ها را قادر می‌سازد تا به‌عنوان نوع بشر از منزلت انسانی برخوردار گردند (Welch & Nuru, 2006, p. 178). احترام و التزام حکومت به استلزامات شهروندی مبنی بر حق مشارکت فعال، آزادانه و معنی‌دار در تمامی امور عمومی جامعه، مسئولیت‌پذیری و پاسخگویی کارگزاران در قبال اظهارات و اقدامات، حقوق مالکیت، حق توسعه، حق مشارکت، تسهیم و برخورداری از توسعه اجتماعی، فرهنگی و سیاسی از جمله شاخص‌های این نشانگر به‌شمار می‌رود.

امیرالمؤمنین علی (ع) قانون و حق‌مداری را ملازم یکدیگر می‌دانند و اعتقاد دارند که مصلحت‌گرایی ممکن است باعث انحراف از عدالت گردد. آن حضرت در همین‌راستا می‌فرمایند: «به خدا سوگند، اگر هفت اقلیم را با آنچه در زیر آسمان‌ها است به من دهند تا خدا را نافرمانی کنم در اینکه پوست جویی را از موریانه‌ای به ناروا بگیرم، هرگز چنین نخواهم کرد» (نهج‌البلاغه، ۱۳۸۵، ص. ۳۲۹). افزون‌براین، آن حضرت نظام حقوق بشری در چهارچوب حقوق متقابل حاکمان نسبت به حکم‌پذیران را نیز مورد تأکید قرار می‌دهند. خیرخواهی حاکم نسبت به مردم، تنظیم مسائل اقتصادی، تعلیم، آموزش، تربیت و پرورش مردم به‌عنوان چهار حق اساسی مردم بر حاکم و وفای به عهد یا بیعت، خیرخواهی متقابل مردم نسبت به حاکم اسلامی و اجابت دعوت و اطاعت اوامر حاکم اسلامی از جمله حقوق متقابل مورد تصریح آن حضرت می‌باشد (نهج‌البلاغه، ۱۳۸۵، ص. ۶۱).

۴-۲-۵. نظام مدیریت منابع عمومی

درنهایت، نظام تأمین و توزیع عادلانه منابع عمومی به‌عنوان آخرین کارویژه حکومت در چهارچوب حکمرانی مطلوب به تحقق و تضمین اصل کارآمدی می‌انجامد. منابع عمومی یک جامعه از مهم‌ترین ظرفیت‌های بسترساز و ثبات‌آفرین فرایند توسعه و پیشرفت پایدار به‌شمار آمده و از بنیادهای رفاه عمومی لحاظ می‌گردد. مدیریت مؤثر بودجه عمومی، مکانیسم‌های اثربخش بهره‌برداری از منابع انسانی، مالی و اجتماعی،

نظامات بانکی و مالی اثربخش، و تعهدات و مکانیسم‌های مهار و کنترل فساد از جمله شاخص‌های این نشانگر به‌شمار می‌رود.

امیرالمؤمنین علی (ع) معتقدند که وقتی منابع جامعه در اختیار کارگزاران و دولتمردان قرار می‌گیرد، این خطر وجود دارد که آنان برای استفاده‌های شخصی، گروهی و غیرمشروع از منابع عمومی وسوسه شوند. بنابراین، آن حضرت پیوسته در بسیاری از خطبه‌ها و نامه‌ها خطاب به کارگزاران بر مسئله مقابله با فساد، عدم سوءاستفاده از اموال عمومی و برخورد قاطع با افراد فاسد تأکید کرده و می‌فرمایند: «نبایستی در آنچه متعلق به مردم است برای خود حقی قائل شوی» و «همانا من، به راستی به خدا سوگند می‌خورم اگر به من گزارش کنند که در اموال عمومی خیانت کردی، کم یا زیاد، چنان بر تو سخت‌گیرم که کم‌بهره شده و در هزینه عیال درمانده و خوار و سرگردان شوی» (نهج‌البلاغه، ۱۳۸۵، صص. ۴۲۱-۳۵۷). به تعبیری دیگر، از دید آن حضرت، زمامداران، امین خدا در زمین، برپادارنده عدالت در جامعه و عامل جلوگیری از فساد در میان مردم هستند.

۵. عدالت: جوهره حکمرانی مطلوب

فراتر از تمامی موارد، عدالت در کانون محوری حکمرانی مطلوب قرار دارد. عدالت جوهره حکمرانی مطلوب و ابرشاخص کیفیت حکمرانی است. عدالت عامل استحکام‌بخش و استمرار‌آفرین هم‌بستگی و تعامل نهادی جامعه مدنی و حکومت سیاسی به‌شمار می‌رود. از همین‌رو، عدالت ستون خیمه نظام حکمرانی و جامعه بشری مطلوب است.

عدالت، بنابر تصریح ادبیات، به وجود یک موازنه مناسب و واقعی اشاره دارد (McLean & McMillan, 2009, p. 286) و در اشکال عدالت مبادله‌ای، عدالت توزیعی، عدالت حقوقی، عدالت کیفری و عدالت اجتماعی مورد طبقه‌بندی قرار می‌گیرد. عدالت مبادله‌ای یا قراردادی عمدتاً به مبادلات تجاری و تنظیم منصفانه قیمت و دستمزد اختصاص دارد و مستلزم تبادل کالا و خدمات بر اساس برابری ارزش می‌باشد. عدالت توزیعی به تنظیم روابط جامعه با افراد می‌پردازد و بر توزیع مساوی و مناسب امتیازات و مسئولیت‌ها تصریح می‌کند. عدالت حقوقی به خیر و صلاح عمومی جامعه اشاره دارد و اعضای جامعه را ملزم به تبعیت از استلزامات منصفانه قانون می‌نماید. عدالت کیفری به تعیین مجازات متناسب با جرم به منظور اصلاح

مجرمین اختصاص دارد و درنهایت، عدالت اجتماعی به رفاه اقتصادی گروه‌های اجتماعی و توزیع منافع و فرصت‌ها در جامعه می‌پردازد (Ubioha, 2011, p. 189).
 امیرالمؤمنین علی (ع) در حکم حکومتی خود به مالک اشتر با تأکید بر عدالت به‌عنوان مهم‌ترین دکترین حکمرانی می‌فرماید: «بهترین چیزی که کارگزاران را شادمان می‌کند اجرای عدالت، برپایی آن در شهرها و آشکارساختن دوستی مردم است و دوستی مردم آشکار نمی‌شود مگر موقعی که دل‌هایشان از کینه و خشم خالی شود و دلسوز نمی‌مانند مگر وقتی زمامداران خویش را برای کارهای خود نگاه دارند و ادامه حکومت آنان را سنگین‌نشانند و نخواهند که هر چه زودتر این حکومت تمام شود» (نهج‌البلاغه، ۱۳۸۵، ص. ۴۱۱).

آن حضرت در حکم انتصاب یکی دیگر از کارگزاران ضمن تصریح بر عدالت‌گستری و پرهیز از بیدادگری می‌فرماید: «عدالت را بگستران و از ستمکاری پرهیز کن؛ که ستم، رعیت را به آوارگی کشاند و بیدادگری به مبارزه و شمشیر می‌انجامد» (نهج‌البلاغه، ۱۳۸۵، ص. ۵۳۱).

افزون‌براین، آن حضرت، ضمن تأکید بر ماهیت پیش‌برندگی عدالت و ضرورت اجرای عدالت در تمام شئون جامعه می‌فرماید: «به خدا سوگند! بیت‌المال تاراج‌شده را هرکجا که بیابم به صاحبان اصلی آن برمی‌گردانم، گرچه با آن ازدواج کرده، یا کنیزانی خریده باشند؛ زیرا در عدالت گشایش برای عموم است، و آن‌کس که عدالت بر او گران آید، تحمل ستم برای او سخت‌تر است» (نهج‌البلاغه، ۱۳۸۵، ص. ۳۹).

از منظر امیرالمؤمنین علی (ع)، عدل پایه و زیربنایی است که پایداری جهان به آن بستگی دارد (العدل اساس به قوام العالم). افزون‌براین، عدالت الفبای اصلاح در جامعه است (الرعیه لایصلحها الا لعدل). زیرا ضعف‌ها، بی‌نظمی‌ها و ناکارآمدی‌ها همگی ناشی از خروج امور از حد و اندازه طبیعی خود هستند. از دیدگاه آن حضرت، عدالت باعث تعادل در جامعه بین اقشار گوناگون می‌شود و همچنین معیاری برای تدبیر عمومی مردم است (نهج‌البلاغه، ۱۳۸۵، ص. ۵۲۷).

۶. نتیجه‌گیری و پیشنهاد

حکمرانی مطلوب از جمله نظریه‌ها و پارادایم‌های نوینی است که به منظور بهبود و ارتقای کارکردی و عملکردی نظام‌های مدیریتی - سیاستی مطرح گردیده است و به علت برخورداری از ظرفیت ویژه در اداره و راهبری جوامع مدرن و همچنین

پاسداشت و گسترش سطح آزادی، رفاه و بهروزی نسل‌های معاصر و آینده در دستور کار مجامع بین‌المللی، دولت‌های ملی و جوامع بشری قرار گرفته است. حکمرانی خوب لازمه رشد اقتصادی مستمر، رفاه عمومی، ریشه‌کن‌سازی فساد و توسعه پایدار انسانی و اجتماعی است و تحقق و استقرار همه‌جانبه این الگوی راهبری مستلزم شکل‌گیری و تثبیت قواعد تعامل‌آفرین، متوازن‌ساز، ظرفیت‌آفرین و پایدارساز بازی میان حکومت و جامعه مدنی است. حکمرانی مطلوب، به تعبیری دقیق‌تر، مستلزم بازآرایی قواعد بازی در عرصه سیاست عمومی بر اساس پاسخگویی، شفافیت، مشارکت، قانون‌گرایی و کارآمدی است که در فرایند آن، حکومت و جامعه مدنی به‌موازات هم به نقش‌آفرینی در راستای مدیریت منابع و منافع عمومی می‌پردازند و جامعه را در مسیر توسعه پایدار هدایت و رهنمون می‌گردانند.

با این وجود، حکمرانی مطلوب به‌عنوان الگویی متعالی در عرصه هدایت و راهبری جوامع بشری مقوله‌ای نوین به‌شمار نمی‌رود و ریشه‌های نظری و عملی آن به آموزه‌های اسلامی و آموزه‌های علوی، به‌طور ویژه برمی‌گردد و در سپهر عالم‌تاب حکمرانی علوی به‌عنوان نقطه عطف تاریخ حکمرانی بشری مورد تحقق قرار می‌گیرد. حضرت علی (ع) در فرمان حکومتی و منشور حکمرانی خود با نگاه فرازمانی و فرامکانی و با رویکرد آینده‌گرایانه، الزامات امروزی در حکمرانی مطلوب مانند پاسخگویی، مشارکت، شفافیت، قانون‌مداری و کارآمدی در روابط متقابل و متوازن جامعه و حکومت را مورد معرفی و تأکید قرار می‌دهند و عدالت را به‌عنوان جوهره حکمرانی مطلوب و ابرشاخص کیفیت حکمرانی مورد تصریح قرار می‌دهند.

درنهایت، با توجه به ظرفیت ویژه نظریه و الگوی حکمرانی مطلوب در مدیریت و راهبری جوامع بشری و عدم منافات شاخص‌های امروزی حکمرانی مطلوب با آموزه‌های اسلامی، اتخاذ و اعمال این پارادایم مدیریتی - سیاستی می‌تواند به‌عنوان یک چهارچوب اجرایی مورد لحاظ قرار گیرد. افزون‌براین، با توجه به مشروعیت و مقبولیت فراگیر حکمرانی مطلوب در عصر معاصر و اصالت و غنای آموزه‌های اسلامی در این ساحت، تدوین الگوی (نظری و عملی) حکمرانی مطلوب علوی - به‌عنوان چهارچوب اصیل حکمرانی مطلوب - مورد پیشنهاد پژوهش حاضر می‌باشد که می‌تواند نقطه عطفی را در عرصه علم و عمل مدیریت و حکمرانی به ارمغان آورد.

فهرست منابع

- امامی، محمد؛ شاکری، حمید (۱۳۹۴). *حکمرانی خوب و قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران*. پژوهشنامه حقوق تطبیقی، سال اول، شماره ۲.
- امامی، محمد؛ شاکری، حمید (۱۳۹۶). *نگاهی اجمالی بر نسبت حکمرانی خوب و حقوق بشر*. دوفصلنامه حقوق بشر، سال دوازدهم، شماره ۱.
- بهادری، آتنا (۱۳۹۸). *تحلیل مضمون عهدنامه امیرالمؤمنین علی (ع) با مالک اشتر*. فصلنامه پژوهشنامه نهج‌البلاغه، سال هفتم، شماره ۵۷.
- پورعزت، علی اصغر (۱۳۸۹). *پژوهش ابعاد حکمرانی اخلاقی در فحوای عهدنامه امیر (ع)*. فصلنامه پژوهش‌های نهج‌البلاغه، شماره ۱۱۵.
- حلیمی جلودار، حبیب‌الله؛ علویان، مرتضی؛ نیک‌جهان، ابوزر (۱۴۰۱). *مطالعه تطبیقی حکمرانی خوب از منظر نامه ۵۳ نهج‌البلاغه و آرای اسکایی*. فصلنامه پژوهش‌های نهج‌البلاغه، سال بیست و یکم، شماره ۲۴۱.
- درزی، قاسم؛ صدریه، پیام (۱۳۹۴). *نگرش میان‌رشته‌ای به حکمرانی خوب: زمینه‌ساز حکمرانی خوب در قرآن و نهج‌البلاغه*. فصلنامه پژوهش‌های نهج‌البلاغه، سال چهاردهم، شماره ۳.
- دوله، فاطمه؛ سیف‌الهی، سیف‌الله؛ زنجانی، حبیب‌الله (۱۳۹۸). *مطالعه زمینه‌ها و موانع شکل‌گیری حکمرانی خوب در ایران معاصر*. فصلنامه علوم اجتماعی، سال سیزدهم، شماره ۲.
- ساعی، علی؛ روشن، تینا (۱۳۸۹). *تحلیل درک کیفیت حکمرانی در ایران*. فصلنامه مطالعات فرهنگی و ارتباطات، سال ششم، شماره ۲۱.
- سردارنیا، خلیل‌الله؛ شاکری، حمید (۱۳۹۳). *تبیین حکمرانی خوب در نهج‌البلاغه با رویکرد روشی زمینه‌گرا*. مجله مطالعات حقوقی دانشگاه شیراز، دوره ششم، شماره ۲۷.
- شاه‌آبادی، ابوالفضل؛ جامه‌بزرگی، آمنه (۱۳۹۲). *نظریه حکمرانی خوب از دیدگاه نهج‌البلاغه*. فصلنامه پژوهشنامه نهج‌البلاغه، سال اول، شماره ۲.
- صفریان، روح‌الله؛ امام‌جمعه‌زاده، سیدجواد (۱۳۹۶). *الگوی حکمرانی خوب: سرمایه اجتماعی و توسعه همه‌جانبه*. فصلنامه دولت‌پژوهی، سال سوم، شماره ۱۲.
- عیوضی، محمدحجیم؛ مرزبان، نازنین؛ صالحی، معصومه (۱۳۹۶). *از بررسی حکمرانی خوب تا الگوی حکمرانی پایدار*. فصلنامه راهبرد، سال بیست‌وششم، شماره ۵۵.

- کعبی، عباس (۱۳۹۰). *بایسته‌های حکمرانی در فرمان حکومتی امیرالمؤمنین (ع) به مالک اشتر*. تهران: موسسه آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه‌ریزی.
- کمیجانی، علی (۱۳۹۸). *آینده پژوهی راهبردی حکمرانی مطلوب (رساله دکتری آینده پژوهی)*، تهران، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ع).
- کمیجانی، علی؛ عیوضی، محمدرحیم (۱۴۰۰). *سیمای حکمرانی مطلوب در ایران: از ظرفیت تا فرصت*. فصلنامه راهبرد، دروه سی‌ام، شماره ۱۰۰.
- کمیجانی، علی؛ عیوضی، محمدرحیم؛ بزرگمهری، مجید؛ نظامی‌پور، قدیر (۱۳۹۸). *سیمای حکمرانی مطلوب در آینده پژوهی: از تصویرپردازی تا شکل بخشی آینده*. دوفصلنامه آینده پژوهی ایران، سال چهارم، شماره ۱.
- مرشدزاد، علی (۱۳۹۶). *حکمرانی خوب و حکمرانی مطلوب در تمدن نوین اسلامی*. دوفصلنامه آینده پژوهی ایران، سال دوم، شماره ۱۲۵.
- نهج‌البلاغه (۱۳۸۵). ترجمه محمد دشتی. قم: موسسه فرهنگی و تحقیقاتی امیرالمؤمنین (ع).
- یوسفی شیخ رباط، محمدرضا؛ بابایی، فهیمه (۱۳۹۴). *طراحی مدل حکمرانی خوب بر اساس نامه مالک اشتر و مقایسه آن با اصول حکمرانی خوب بانک جهانی*. فصلنامه اقتصاد اسلامی، سال یازدهم، شماره ۳۱.

References

- Bahadori, A. (2020). Thematic Analysis of Amir al-Mu'minin Ali's (A.S) Covenant with Malek
- Ashtar. *Quarterly Journal of Nahj al-Balagha Research*, 7(28), 57-77. [In Persian]
- Darzi, G
- , S., & Zanjani, H. (2019). Study the Context and Barriers to., & Sadrieh, P. (2016). Interdisciplinary Approach to Good Governance;
- Contextualizing Good Governance in the Quran and Nahj. *Nahjbalagheh Research*, 14(3), ۱۰۳-۱۲۶. [□□ □□□□□□]
- Dowleh, F., Sayfolahi the
- Formation of Good Governance in Contemporary Iran. *Social Science Quarterly*, ۱۳(۲), ۱۲۳-۱۵۴. [□□ □□□□□□]
- Elahi, K, Q. (2009). UNDP on Good Governance. *International Journal of Social Economics*,
- Eivazi, M., Marzban, N., & Salehi, M. (2018). A Search for Good Governance: towards the
- Sustainable Governance Model. *Journal of Strategy*, 26(4), 55-85. [In Persian]
- Emami, M. & Shakeri, H. (2017). A Glimpse of the Good Governance and Human Rights Ratio.
- *Journal of Human Rights*, 12(1), 23-48. [In Persian]
- Emami, M. & Shakeri, H. (2015). Good Governance and the Constitution of the Islamic
- Republic of Iran. *Journal of Comparative Law*, 1(2), 25-57. [In Persian]
- Grindle, S. M. (2017). Good Governance, R.I.P.: A Critique and an Alternative. *Governance*,
- Halimi Jلودار, H., Alavian, M., & Nikjahan, A. (2022). Comparative Study of "Good
- Governance" based on Nahj al-Balagheh's Letter 53 and ESCAP's Opinions. *Nahjbalagheh Research*, 21(3), 241-262. [In Persian]
- Hope, K.R. (2009). Capacity Development for Good Governance in Developing Countries:
- Some Lessons from the Field. *International Journal of Public Administration*, ۳۲, ۷۲۸-۷۴۰.
- Jamshidi, M.H. & Safari, M. (2016). Principles of Good Governance in the "Charter of Malik al-
- Ashtar" (Comparative Analysis of Good Governance Indicators of the World Bank and the
- Mundane Aspects of Alavi Governance in the Charter of Malik alAshtar). *International Journal of Humanities and Cultural Studies*, Special Issue (June): 639-659.
- Kabi, A. (2012). *Necessities of Governance in Amir Al-Mumenin Decree to Malek Ashtar*.
- Tehran: Institute for Management and Planning Studies. [In Persian]
- Komijani, A. (2020). *Strategic Futuring of Good Governance*. Ph.D. Dissertation in Futures

- Studies, Imam Khomeini International University(IKIU), Iran. [In Persian]
- Komijani, A., & Eivazi, M. (2021). The Profile of Good Governance in Iran: From Capacity to Opportunity. *Journal of Strategy*, 30(3),427-465. [In Persian]
- Komijani, A., Eivazi, M., Bozorgmehri, M., & Nezamipoor, gh. (2019). The Profile of Good Governance in Futures Studies: From Imaging to Shaping of the Futures. *Journal of Iran Futures Studies*, 4(1), 207-235. [In Persian]
- McLean, I. and McMillan, A. (2009). *The Concise Oxford Dictionary of Politics*. Oxford: Oxford University Press.
- Morshedzad, A. (2017). Good Governance and Desired Governance in the New Islamic Civilization. *Journal of Iran Futures Studies*, 2(2), 125-140. [In Persian]
- *Nahj-Albalagheh* (2007). Translated by Mohammad Dashti. Qom: Cultural and Research Institute of Amir Al-Mumenin. [In Persian]
- Obioha, U.P. (2011). The Nature of Justice. *Journal of Social Sciences*, ۲۹(۲):۱۸۳-۱۹۲.
- Poorezat, A. (2011). Researching the Ethical Governance Dimensions in Amir's (AS) Covenant. *Nahj-olbalagheh Research*, 30, 115-132. [In Persian]
- Saei, A. & Roshan, T. (2011). Analyzing the Quality of Governance in Iran. *Cultural Studies & Communication*, 6(21), 167-187. [In Persian]
- Safariyan, R., & Emamjomehzadeh, S. J. (2018). Model of Good Governance: Social Capital and Comprehensive Development. *State Studies*, 3(12), 145-181. [In Persian]
- Sardarnia, Kh. & Shakeri, H. (2015). Explaining of Good Governance in Nahj-olbalagheh by Contextual (Communitarian) Approach. *Journal of Legal Studies*, 6(4), 27-53. [In Persian]
- Shahabadi, A., & Jamebozorgi, A. (2014). Theory of Good Governance from Imam Ali's (AS) Perspective. *Quarterly Journal of Nahj al-Balagha Research*, 1(2), 1-17. [In Persian]
- TavakoliSadat, F., BeigiNia, A., Abedi, M. & Rahnama, A. (2017). Good Governance According to Nahj-olbalaghe Context. *Journal of Politics and Law*, 10 (1): 42-49.
- UNDP (1997). *Governance for Sustainable Human Development: A UNDP Policy Document*. New York: United Nations Development Program.
- Welch, G. & Nuru, Z. (2006). *Governance for the Future: Democracy and Development in the Least Developed Countries*. UNDP.
- Yousefi Sheikh-Robat, M., & Babaei, F. (2015). Good Governance Model on the Basis of Malik-Ashtar Letter: A Design and Comparison with the World Bank's Good Governance Principles. *Islamic Economics*, 15(57), 31-62.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی